

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آداب قرائت قرآن

جلسه‌ی گذشته اشاره‌ای به بحث آداب قرائت قرآن کردیم که ناتمام ماند. با اشاره به دو روایت، بحث هفته‌ی پیش را جمع می‌کنم.

انسان به هر آیه می‌رسد؛ اعم از این که آن آیه امری در بردارد یا نهی می‌کند، وعده‌ای می‌دهد یا وعیدی می‌دهد، موعظه‌ای می‌کند یا از اخبار انبیاء و اولیای الهی یا دشمنان آنها یاد می‌کند، یا نِعَم الهی و احسان‌های خداوند و آلاء پروردگار را یادآور می‌شود، باید حقّ هر یک از این گونه آیات ادا شود. گفتیم معنای ادا شدن حقّ این است که اگر در آیه امری شده است، خود را برای اجرا آماده کند؛ اگر نهی شده است، بر ترک مصمّم شود؛ اگر وعده‌ای داده شده است، روح امید در وجود او اوج گیرد؛ اگر وعیدی داده شده است، از آن وعید و تهدید، همه‌ی وجودش را خوف و ترس فراگیرد و اگر پند و موعظه‌ای داده شده است، با گوش‌پندپذیری بشنود و آن پند را با گوش‌جان استماع کند و به کار بندد؛ اگر ذکری از نعمت‌ها و لطف و احسان و آلاء پروردگار شده است، روحیه‌ی شکر در او تقویت شود و زبان به شکر بگشاید و اگر قرآن کریم از اخبار قوم‌های گذشته سخنی گفته است، از آنچه برای اقوام گذشته پیش آمده است، عبرت گیرد. انسان در قرائت و تلاوت قرآن، به هر آیه که می‌رسد، با هر نوع محتوایی که آن آیه دارد، باید سعی کند حقّ آن آیه ادا شود.

نکته‌ی دیگری که در ادامه‌ی آن بحث عرض کنم این است؛ طبیعتاً فهم قرآن به دو عامل جدّی وابسته است. نخست، هر چه درجه‌ی فهم انسان بالاتر باشد، که آن هم وابسته به برخورداری از دانایی و علم است، انسان مستعدتر خواهد بود تا آموزه‌های قرآن را درک کند و سخنان الهی را بفهمد. دومین عاملی که بسیار مؤثر است، صفای باطن، طهارت روح و نورانیت قلب است. هر چه انسان دل مُصَفَّاتری داشته باشد؛ قلب نورانی‌تری داشته باشد؛ روح پاک‌تری داشته باشد، برای درک حقایق قرآنی مستعدتر خواهد بود. بنابراین انسان می‌تواند از این دو عامل بهره ببرد. هم سعی کند با اندوختن دانایی و دانش، به قدرت فهم خود کمک کند؛ و هم از طریق صفای باطن و تهذیب نفس، به قدرت درک حقایق معنوی و روحانی دست پیدا کند. یکی از چیزهایی که صفای باطن و حدّت ذهن و آمادگی فکر را برای درک حقایق قرآن فراهم می‌سازد، نماز است. نماز کلید درِ دل‌های انسان‌هاست و به وسیله‌ی نماز، اسرار کلمات الهی بر انسان مکشوف می‌شود.

ادب دیگری که به اختصار اشاره کنم، این است که انسان هنگام تلاوت قرآن با آرامش و متانت قرآن را تلاوت کند. ترتیل یعنی شمرده شمرده قرآن خواندن؛ «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً»^۱. پس قرآن را تند تند نخواند؛ با تأمل و تدبّر و آرامش و متانت بخواند و سعی کند زبان و دلش هر دو در خواندن آیات قرآن کریم مشارکت داشته باشد، و حَتَّى الْمَقْدُورِ وَتَمَّتِ مَشْغُولٌ تَلَاوَتِ الْقُرْآنِ است، روی معانی کلام الهی تأمل کند و غرق در سخن خدا شود. در گذشته اشاره کرده‌ایم که قرآن باید مایه‌ی ارتقاء و تعالی ما باشد.

^۱. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۴.

دو حدیث می‌خوانم که اشاره‌ای به بحث ادب‌های قرائت دارد و بحث را خاتمه می‌دهم و سراغ سوره‌ی حمد می‌روم.

روایت اول از امام سجّاد علیه السلام است؛ حضرت فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْقُرْآنِ» بر تو باد به توجّه به قرآن، به رو آوردن و بهره گرفتن از قرآن و اهتمام داشتن به قرآن. «فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ بِيَدِهِ» چرا که خدای متعال بهشت را با دست خویش ساخت و بنا کرد و آفرید. «لَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبِنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ» بهشت را که خواست بسازد، یک آجر از طلا و یک آجر از نقره در بنای بهشت به کار برد. «وَ جَعَلَ مِلاطَهَا الْمِسْكَ» و ملاتی که برای چسباندن آجرها به هم، بین آجرها می‌گذاشت، از مُشک انتخاب کرد. «وَ تُرابها الزَّعْفَرانَ» و خاکی هم که برای ساختن بنای بهشت از آن استفاده کرد، زعفران بود. «وَ حَصْباءها اللُّؤلؤُ» و شن‌ریزه‌ها و ماسه‌هایی که برای بنای خانه‌های بهشتی به کار گرفت، لؤلؤ و ذرّ و مروارید بود. «وَ جَعَلَ دَرَجَاتِها عَلَی قَدْرِ آياتِ الْقُرْآنِ» و درجات و مراتب و طبقات بهشت را معادل درجات آیات قرآن قرار داد. در بهشت به تعداد آیات قرآن درجات وجود دارد. «فَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَالَ لَهُ اقْرَأْ وَ ارْقُ» هر کس قرآن بخواند، فردای قیامت به او گفته می‌شود: قرآن را بخوان و بالا برو. مرتبه به مرتبه به درجات بهشتی بالاتری دست پیدا کن. «وَ مَنْ دَخَلَ مِنْهُمْ الْجَنَّةَ لَمْ يَكُنْ فِي الْجَنَّةِ

أَعْلَىٰ دَرَجَةً مِنْهُ مَا خَلَا النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ»^۲ و جز پیامبران و صدیقان، مرتبه‌ی هیچ کس بالاتر نیست از مرتبه‌ی کسانی که به تلاوت و قرائت و بهره بردن از قرآن اهتمام داشته‌اند. قاریان قرآنی که فردای قیامت به بهشت داخل می‌شوند، مرتبه‌ی آنها دون مرتبه‌ی نبیین و صدیقون و فوق مرتبه‌ی سایرین خواهد بود. این یک حدیث که نکته‌های ظریف و لطیفی در آن وجود دارد که اگر بخواهیم وارد شرح عرفانی این حدیث شویم، جلسات متعدّد می‌طلبد. ولی به همین ترجمه‌ی ساده بسنده می‌کنم.

حدیث دوم از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ» بر شما باد به تلاوت قرآن. از تلاوت قرآن غافل نمانید؛ از تلاوت قرآن بهره بگیرید؛ بر تلاوت قرآن همّت گمارید. «فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَىٰ عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ» چرا که همانا درجات بهشت معادل تعداد آیات قرآن است. «فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اِقْرَأْ وَ ارْقَ» وقتی روز قیامت شد، به قاری قرآن می‌گویند: بخوان و بالا برو؛ مرتبه به مرتبه به درجات بالاتری از بهشت دست پیدا کن. «فَكُلَّمَا قَرَأَ آيَةً رُقِيَ دَرَجَةً»^۳ هر چه او آیه‌ی جدیدی می‌خواند، در مراتب بهشت، یک درجه بالاتر می‌رود. امیدواریم بهشت را نسیه حساب نکنیم؛ بهشت نقد را بگیریم.

وعده‌ی فردای زاهد را چرا باور کنم

من که امروزم بهشت نقد حاصل می‌شود

۲. مجلسی، بحار، ج ۸، ص ۱۳۳ و نوری، مستدرک، ج ۴، ص ۲۵۶.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۹۰ و مجلسی، بحار، ج ۶۶، ص ۳۷۰.

امیدواریم همین‌جا بهره ببریم و درجات بهشتی را ببینیم و با پرداختن و بهره بردن از قرآن کریم، این مراتب را یک به یک پشت سر گذاریم و بالا برویم. اگر قاری قرآن بتواند آنچه حق قرآن است را در حدّ توان خود ادا کند، همین‌جا درجات بلندتر بهشتی را می‌بیند و به آن نائل می‌شود. امیدواریم بتوانیم چنین بهره‌های بلندی را در قرائت قرآن ببریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ